

تأثیر رفتار بازتوزیعی بر پس انداز و انباشت سرمایه (در چارچوب الگوی نسل‌های همپوشان)

سید احسان خاندوزی*، محمدمهدی مجاهدی مؤخر**، مرتضی خورسندی*** و علی
افسری****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۷

چکیده

عدالت به عنوان یکی از مهم‌ترین هدف‌های نظام اقتصادی محسوب می‌شود و اهداف دیگری نظیر کارایی و رشد اقتصادی باید همراه با عدالت دنبال شود. در اقتصاد اسلامی، عدالت بازتوزیعی به عنوان یکی از انواع عدالت، می‌تواند از طریق پرداخت‌های واجب و مستحب افراد به فقرا و یا از طریق اعطای یارانه دولت برقرار شود. در این تحقیق، ابتدا به مرور تئوری‌های نوع دوستی و عقلانیت تعدیل یافته در غرب و عدالت بازتوزیعی و انفاق در اقتصاد اسلامی می‌پردازیم و سپس با وارد کردن راهکارهای دیگرخواهانه برای بازتوزیع درآمد در الگوی نسل‌های همپوشان (OLG) دو دوره‌ای، این الگو را تعمیم داده و پس از تحلیل، اثرات اقتصادی رفتارهای بازتوزیعی مورد بررسی قرار می‌دهیم. بر اساس نتایج این تحقیق، افزایش رفتارهای بازتوزیعی که در قالب افزایش انفاق ظهور پیدا می‌کند، تأثیر مثبت بر پس انداز و انباشت سرمایه دارد و در نتیجه با رشد اقتصادی سازگار است. بنابراین، یک راهکار بهینه برای برقراری رشد توأم با عدالت، افزایش انگیزه مردم برای رفتارهای دیگرخواهانه و کمک داوطلبانه به فقراست.

طبقه‌بندی JEL: E24, H23, D64

کلیدواژه‌ها: بازتوزیع، پس انداز، انباشت سرمایه، اقتصاد اسلامی، الگوی نسل‌های همپوشان.

* استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسئول، پست الکترونیکی:

ehsan.khandoози@atu.ac.ir

mojaedi@atu.ac.ir

** استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، پست الکترونیکی:

khorsandi@atu.ac.ir

*** استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، پست الکترونیکی:

aliafsari89@gmail.com

**** دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی، پست الکترونیکی:

۱- مقدمه

عدالت یکی از مهم‌ترین اهداف نظام اقتصادی به‌ویژه در نظام‌های اخلاقی و دینی به‌شمار می‌رود. در ادبیات اقتصاد متعارف به ابعاد محدودی از عدالت مانند عدالت مالیاتی و عدالت در منابع طبیعی تجدیدنپذیر توجه شده و به نقش رفتارهای نوع‌دوستانه، تنها به صورت حاشیه‌ای و فرعی توجه شده است. در دیدگاه‌های قدیمی در مورد عدالت توزیعی و بازتوزیعی، وجود نابرابری در آمدی لازمه رشد و توسعه اقتصادی دانسته می‌شد، اما در دیدگاه‌های جدید، برخی اقتصاددانان معتقدند که کاهش نابرابری در آمدی می‌تواند از طرق مختلف و از جمله از طریق افزایش ثبات اجتماعی-سیاسی، موجب افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی شود (سولیمان و همکاران، ۲۰۰۰: ۲-۴) این در حالی است که از نگاه اسلام، عدالت و رشد اقتصادی با هم سازگار هستند و رشد و توسعه اقتصادی باید با اجرای عدالت همراه باشد (یوسفی، ۱۳۸۸).

به طور کلی، عدالت و کارایی (رشد اقتصادی) دو هدف و مصلحت اجتماعی هستند که از اهداف اقتصاد اسلامی محسوب می‌شوند. برخی از پژوهشگران در حوزه اقتصاد اسلامی مانند عیوضلو (۱۳۸۴)، کارایی تخصیصی را از معیارهای عدالت اقتصادی و زیرمجموعه آن برمی‌شمارند. همچنین خاندوزی (۱۳۹۰) معتقد است که عدالت تولیدی یکی از ابعاد عدالت اقتصادی بوده که بر اساس آن باید به بهترین روش از اموال و ثروت‌ها استفاده شود و از این رو معیار کارایی تخصیصی یکی از معیارهای عدالت اقتصادی است. از نظر وی، عدالت اقتصادی دارای ابعاد گوناگونی است که عدالت بازتوزیعی و عدالت تولیدی دو بعد آن هستند و در میان آن‌ها عدالت بازتوزیعی دارای اولویت است. بر این اساس، اجرای سیاست‌هایی از سوی دولت برای اجرای عدالت بازتوزیعی که برخلاف عدالت تولیدی (هدف کارایی و رشد اقتصادی) باشد در کوتاه‌مدت مجاز است، اما دولت برای تحقق کامل عدالت اقتصادی در بلندمدت باید به دنبال سیاست‌ها و راهکارهایی باشد که عدالت تولیدی را محقق کند. در این تحقیق به دنبال ارائه چنین راهکاری که عدالت را به طور کامل محقق سازد، بحث ورود اخلاق (خیرخواهی و نوع‌دوستی) به الگوی مصرف و پس‌انداز افراد مطرح شده و با تحلیل این الگو در چارچوب اقتصاد اسلامی نشان داده می‌شود که در میان راهکارهای دستیابی به عدالت بازتوزیعی، راهکار افزایش انگیزه‌های خیرخواهانه (رفتارهای بازتوزیعی) مردم با افزایش رشد اقتصادی همراه بوده و در نتیجه

تأثیر رفتار بازتوزیعی بر پس‌انداز و انباشت سرمایه... ۱۵۷

پیگیری این راهکار موجب برقراری کامل عدالت اقتصادی در همه ابعاد آن (عدالت بازتوزیعی و عدالت تولیدی) می‌شود.

در اقتصاد اسلامی، افراد بخشی از درآمد و ثروت خود را در قالب خمس، زکات، صدقه، انفاق، وقف و... به افراد فقیر می‌دهند و علاوه بر آن، حکومت اسلامی هم وظیفه تامین نیازهای فقرا در حد کفاف را برعهده دارد (عیوضلو، ۱۳۸۴: ۲۲۵-۲۱۸). همه این موارد برای تامین رفاه نسبی برای همه افراد و برقراری عدالت در جامعه اسلامی انجام می‌شود که به آن عدالت بازتوزیعی گفته می‌شود.

منظور از رفتار بازتوزیعی در این تحقیق، میزان تمایل افراد ثروتمند برای کمک به فقرا است که در انتخاب آن‌ها در مورد تخصیص درآمد خود بین مصرف، پس‌انداز و انفاق نمود پیدا می‌کند. رفتار بازتوزیعی موردنظر این تحقیق به نوعی از رفتار نوع دوستانه افراد اشاره دارد که از جهاتی با مفهوم نوع دوستی^۱ رایج در اقتصاد متداول مشابه است. نوع دوستی موردنظر این تحقیق، نوع دوستی افراد ثروتمند نسبت به افراد فقیر هم دوره آن‌ها است که با انگیزه‌های الهی همراه بوده و در چارچوب اقتصاد اسلامی در قالب پرداخت‌های واجب و مستحبی ثروتمندان به فقرا نمود پیدا می‌کند.

در برخی از مطالعاتی که با استفاده از الگوی نسل‌های همپوشان صورت می‌گیرد از مفهوم نوع دوستی بین نسلی (نوع دوستی والدین نسبت به فرزندان یا فرزندان نسبت به والدین) استفاده شده و به ندرت نوع دوستی مورد نظر این تحقیق (نوع دوستی ثروتمندان نسبت به فقرا در هر دوره) در تحلیل‌ها لحاظ می‌شود. به عنوان نمونه به مطالعات میشل و پستیو^۲ (۱۹۹۸)، یون و تالمین^۳ (۲۰۰۱) و لمبرج^۴ و همکاران (۲۰۰۶) می‌توان اشاره کرد.

از جمله در تحلیل اثرات اقتصادی اجرای عدالت بازتوزیعی در اقتصاد متداول نظیر مطالعه دلا کروکس و لابرانو^۵ (۲۰۰۹) تنها به اثرات سیستم مالیات-یارانه توجه شده و نوع دوستی ثروتمندان نسبت به فقرا در هر دوره بررسی نشده و بر تناقض میان عدالت بازتوزیعی و رشد اقتصادی تاکید می‌شود.

1- Altruism or Philanthropy

2- Michel and Pestieau

3- Yoon and Talmain

4- Lambrecht

5- De la Crox and Lubrano

در این تحقیق به دنبال آنیم که انگیزه‌های نوع‌دوستی ثروتمندان نسبت به فقرا را با تکیه بر الگوی نسل‌های همپوشان تحلیل کنیم. در این دیدگاه، رفتار مبتنی بر عدالت بازتوزیعی می‌تواند اثرات اقتصادی مثبت داشته و به این ترتیب تناقض میان عدالت و رشد اقتصادی زیرسوال خواهد رفت. در چارچوب اقتصاد اسلامی، رفتارهای بازتوزیعی در تصمیمات اقتصادی افراد در مورد مصرف، پس‌انداز و انفاق تاثیر گذاشته و از این طریق می‌تواند بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی موثر باشد.

یکی از الگوهای پویای تحلیل اثر رفتارهای اقتصادی به صورت بین‌نسلی، الگوی نسل‌های همپوشان است. با استفاده از این الگو می‌توان بر پایه اقتصاد خرد، روابط میان متغیرهای کلان اقتصاد را بررسی کرد. در این تحقیق با استفاده از این الگو، رفتار افراد در مورد انتخاب میان مصرف، پس‌انداز و انفاق در چارچوب اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و از این طریق، تاثیر رفتارهای مبتنی بر عدالت بازتوزیعی بر پس‌انداز و انباشت سرمایه بررسی می‌شود. اهمیت این تحقیق در مستدل کردن رابطه میان رفتارهای بازتوزیعی و ثمرات مثبت اقتصادی آن از طریق یک مدل ریاضی است که می‌تواند اقناع بیشتری به دنبال داشته باشد، زیرا تاکنون پژوهش‌های اندکی در این حوزه با اتکاء بر مدل نسل‌های همپوشان انجام شده است. تحقیق در این باره می‌تواند ضمن افزودن بر غنای ادبیات موضوع در سیاست‌گذاری‌های رشد و توسعه اقتصادی هم کاربرد داشته باشد.

در بخش دوم، پیشینه تحقیقات مختلفی که مرتبط با موضوع این تحقیق است و در بخش سوم، چارچوب نظری تحقیق شامل مفهوم عقلانیت اقتصادی، جایگاه ارزش‌های اخلاقی در الگوی مصرف، راهکارهای اسلام برای عدالت بازتوزیعی و اهمیت رفتارهای عادلانه در برقراری عدالت اجتماعی بررسی می‌شود. در بخش چهارم با وارد کردن راهکارهای اسلامی برای عدالت بازتوزیعی و سایر فروض، الگوی نسل‌های همپوشان برای جامعه اسلامی ارائه و تحلیل می‌شود و بخش پنجم به نتیجه‌گیری اختصاص می‌یابد.

۲- پیشینه تحقیق

برخی از پژوهشگران در حوزه اقتصاد اسلامی به بررسی اثرات اقتصادی اجرای عدالت بازتوزیعی پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، محمدابراهیم السحیانی در مقاله «اثر زکات بر عرضه

تاثیر رفتار بازتوزیعی بر پس‌انداز و انباشت سرمایه... ۱۵۹

کل» (قحف، ۱۴۱۷ ه.ق، ۲۷۲-۲۶۷) توضیح می‌دهد که زکات از طرق گوناگونی بر عرضه نیروی کار و سرمایه تاثیر مثبت داشته و موجب افزایش محصول می‌شود.

زعیم (۱۹۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان «تفسیرهای جدید در مورد جنبه اقتصادی زکات» نتیجه می‌گیرد که تقاضا برای سرمایه‌گذاری در مقدار معینی از نرخ سود مورد انتظار در یک اقتصاد اسلامی در مقایسه با سایر مکاتب اقتصادی بالاتر خواهد بود و بنابراین اجرای نظام زکات در جامعه اسلامی می‌تواند منجر به رشد اقتصادی بیشتری شود.

بر اساس نتایج مطالعه فریدی (۱۹۹۷) با عنوان «زکات و سیاست مالی» وضع زکات اثر دوگانه‌ای بر پس‌انداز دارد، اما به هر حال به افزایش تقاضا برای کالاهای مصرفی و سرمایه‌گذاری و در نتیجه افزایش تولید منجر می‌شود.

فهیم خان (۱۹۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان «تابع مصرف کلان در چارچوب اسلامی» با بررسی اثر زکات در یک اقتصاد اسلامی نشان می‌دهد که اثر توزیع درآمدی زکات در بلندمدت، فقرا را در زمره پس‌اندازکنندگان قرار می‌دهد و در اثر وضع زکات، مسیرهای پس‌انداز و رشد اقتصادی بالاتر از زمانی خواهد بود که زکات وضع نشود.

اقبال (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان «زکات، میانه‌روی و مصرف کل در یک اقتصاد اسلامی» با ارائه الگویی نشان می‌دهد که اثر زکات و انفاق بر مصرف، انبساطی و اثر میانه روی بر مصرف، انقباضی است. بنابراین، اثر خالص دستورات اسلامی شامل زکات، انفاق و میانه روی بر میل نهایی به مصرف، خشی است و با اجرای این دستورات، میل نهایی به مصرف در اقتصاد اسلامی تفاوت معناداری با اقتصادهای غیر اسلامی نخواهد داشت.

در برخی از تحقیقات، اثرات اقتصادی اجرای عدالت با استفاده از روش‌های بهینه‌یابی پویا بررسی شده است. لابرانو^۱ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «جنبه‌های بازتوزیعی برنامه ELIE: یک روش شبیه‌سازی» با استفاده از الگوی رشد سولو نتیجه می‌گیرند که اجرای برنامه‌های بازتوزیع درآمد موجب کاهش انباشت سرمایه و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

دلا کروکس و لابرانو (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای با عنوان «معاوضه میان رشد و بازتوزیع: برنامه ELIE در قالب الگوی نسل‌های همپوشان» به بررسی رابطه میان بازتوزیع و رشد اقتصادی در قالب الگوی نسل‌های همپوشان پرداخته و با تاکید بر انباشت سرمایه انسانی

نتیجه می‌گیرند که اجرای سیاست‌های بازتوزیع درآمد ضمن کاهش فقر، از طریق تاثیر منفی بر انباشت سرمایه انسانی موجب کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

علی و مایلز^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «نتایج زکات در انباشت سرمایه» با استفاده از الگوی نسل‌های همپوشان و با انجام فرض‌های خاصی نشان دادند که در اقتصاد اسلامی، پرداخت زکات می‌تواند تاثیر مثبتی بر سرمایه سرانه داشته باشد.

بخشی دستجردی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی اثر عدالت بین زمانی بر رشد اقتصادی با تاکید بر نقش ارجحیت زمانی، مطالعه موردی: اقتصاد ایران» با استفاده از روش بهینه‌یابی پویا نشان داد که توجه به عدالت بین زمانی در ایران از طریق تاثیر بر پس‌انداز، اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد.

نتایج مطالعات انجام شده در اقتصاد متداول نظیر مطالعه دلا کروکس و لابرانو (۲۰۰۹) نشانگر تاثیر منفی بازتوزیع درآمد بر رشد اقتصادی است. در مقاله حاضر نشان داده می‌شود که این نتیجه به خاطر بی‌توجهی به تاثیر ارزش‌های اخلاقی نظیر نوع‌دوستی (خیرخواهی) بر رفتارهای اقتصادی افراد است و در چارچوب دیگرخواهی با وارد کردن مفهوم عقلانیت جامع و با در نظر گرفتن نوع‌دوستی (با پشتوانه اعتقادات مذهبی) در یک الگوی نسل‌های همپوشان نشان داده می‌شود که افزایش رفتارهای بازتوزیعی می‌تواند با افزایش پس‌انداز و انباشت سرمایه همراه بوده و به عبارت دیگر، بازتوزیع درآمد با رشد اقتصادی می‌تواند سازگار باشد.

۳- چارچوب نظری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

با توجه به اینکه اهمیت مفهوم عقلانیت اقتصادی در الگوی مقاله و نقش ارزش‌های اخلاقی در بازتوزیع در این بخش به این موارد پرداخته می‌شود.

۱-۳- دیدگاه‌ها درباره مفهوم عقلانیت اقتصادی

عقلانیت ابزاری در اقتصاد از دیرباز مدافعان و منتقدان مشهوری داشته است، میچل، ارو، آلچیان، گری بکر، هاموند، لوکاس، آکرلف و بسیاری دیگر به این مساله پرداخته بودند. آمارتیا سن نیم قرن پیش در مقاله‌ای با نام احمق‌های عقلایی به نقد رفتارهای مبتنی بر عقلانیت اقتصادی فردگرا پرداخت (سن، ۱۹۷۷: ۳۱۷) به همین جهات بود که بعدها هربرت سیمون کتاب عقلانیت تعدیل یافته^۱ را منتشر ساخت (سیمون، ۱۹۸۲ و ۱۹۹۲: ۲). عقلانیت اقتصادی به طور سنتی به صورت حداکثر کردن نفع شخصی لحاظ می‌شد، اما دیدگاه‌های جدیدی در اقتصاد متداول وجود دارد که به توسعه این مفهوم پرداخت. در این دیدگاه‌ها تنها نفع شخصی، عامل ایجاد مطلوبیت در فرد نیست، بلکه موارد دیگری نظیر ترجیحات اخلاقی و منافع جمعی هم می‌تواند برای فرد مطلوب بوده و انگیزه برخی از رفتارهای اقتصادی فرد باشد. از آن جمله می‌توان به دیدگاه انسان‌گرایان^۲ اشاره کرد که با تقسیم ترجیحات فرد به دو دسته ترجیحات خودخواهانه و ترجیحات نوع‌دوستانه معتقدند که عقلانیت توسعه یافته می‌تواند در ارتباط با رتبه‌بندی‌های ترجیحی چندگانه در فرد تحلیل شود. بنابراین از دیدگاه آن‌ها عقلانیت به این معنا است که فرد بین انواع ترجیحات خودخواهانه و نوع‌دوستانه، بهترین انتخاب را داشته باشد (توحیدی نیا، ۱۳۸۸: ۳۱). با وجود نظرات گوناگون در اقتصاد متداول درباره عقلانیت توسعه یافته به طور کلی این توافق وجود دارد که عقلانیت توسعه یافته به معنای عمل بر مبنای ترجیحات مادی و اخلاقی است که هم ترجیحات مادی شخصی و هم ترجیحات ارزشی را شامل می‌شود (همان، ۳۲).

بحث‌های مشابهی هم در اقتصاد اسلامی درباره عقلانیت اقتصادی وجود دارد. خوددوستی (حب ذات) از ویژگی‌های ذاتی انسان است. به پیروی از خوددوستی، دستیابی به هر کمالی (اعم از کمالات مادی و معنوی) برای انسان رضایت‌خاطر ایجاد می‌کند و این امر در انسان برای رسیدن به کمالات، انگیزش ایجاد می‌کند. از دیدگاه اقتصاد اسلامی، انسان دارای منافع گوناگون مادی، اجتماعی و اخروی است که تلاش برای دستیابی به این منافع در انسان ایجاد انگیزش کرده و موجب رضایت خاطر وی می‌شود. با استفاده از

1- Bounded Rationality

2- Humanitists

مفهوم نفع گسترش یافته، عقلانیت مورد قبول در اقتصاد اسلامی، عقلانیتی است که جنبه‌های گوناگون منافع مادی، اجتماعی و اخروی انسان را در نظر می‌گیرد و به آن عقلانیت جامع یا تعدیل شده گفته می‌شود (عزتی، ۱۳۹۴: ۵۹-۳۷). کارکرد عقلانیت جامع آن است که در حل تعارض میان رضایت (نفسانی یا فردی) با مصلحت (اخلاقی یا جمعی) هیچ کدام را نفی نمی‌کند و هر یک را در مرز و جایگاه خود می‌نشانند و از تعارض به دیگری مصون می‌دارد. انسان تربیت شده توسط عقلانیت جامع به گونه‌ای است که در مواجهه با نیازمندان، بر اساس منطق انسانی و اخلاقی عمل می‌کند و در مواجهه با مواهب و فرصت‌های اقتصادی از عقل ابزاری بهره می‌برد (خاندوزی، ۱۳۹۰: ۲۹۳-۲۹۲).

عیوضلو (۱۳۸۴: ۱۷۳-۱۷۶ و ۲۷۷) معتقد است در جامعه اسلامی، عقلانیت مبتنی بر ترجیحات اجتماعی حاکم است. با فرض نهادینه شدن کامل اعتقادات و دیدگاه‌های اسلامی در جامعه، مبنای قرارداد اجتماعی در میان مسلمانان، عمل بر اساس چارچوب شریعت است و هر مسلمان منافع خود را در استقرار چارچوب شریعت و موازین اسلامی در جامعه می‌شناسد. در نتیجه مفهوم عقلانیت از دایره منافع شخصی به منافع اجتماعی تعمیم می‌یابد. بر این اساس تابع مطلوبیت فرد مسلمان (تابع مطلوبیت حقیقی) تابعی از رضایتمندی خود و دیگران (به عنوان تقریبی از رضایت الهی) است و فرد مسلمان به نحوی میان خود و دیگران جمع می‌کند که هم رضایت خود و هم رضایت دیگران را در پی داشته باشد (عیوضلو، ۱۳۸۴: ۱۷۳-۱۷۶ و ۲۷۷).

الگوی پژوهش حاضر بر اساس مفهوم عقلانیت جامع شکل می‌گیرد که در آن هر فرد جوان ثروتمندی در مورد تخصیص درآمد میان مصرف، پس‌انداز و انفاق خود تصمیم می‌گیرد و در این تصمیم‌گیری، هم منافع مادی شخصی خود و هم منافع مادی فقرا هم دوره خود را مورد توجه قرار می‌دهد.

۲-۳- جایگاه ارزش‌های اخلاقی در الگوی مصرف

ارزش‌های اخلاقی بیش از هر چیز تحت تاثیر مذهب قرار دارد. رابطه مذهب و اقتصاد در ادبیات اقتصادی بیش از همه با نام ماکس وبر شناخته شده است. وبر (۱۳۸۲) تلاش کرد دیدگاه جدیدی ارائه کند با این مضمون که تفاوت در رفتار اقتصادی افراد و در نتیجه تفاوت‌های اقتصادی جوامع می‌تواند ناشی از تفاوت‌های مذهبی آن‌ها باشد. مذهب

تأثیر رفتار بازتوزیعی بر پس‌انداز و انباشت سرمایه... ۱۶۳

پروتستان نه تنها به مال‌اندوزی جنبه قانونی می‌دهد، بلکه آن را چنانچه صرف لذت‌های زودگذر نشود به منزله مشیت الهی تلقی کرده و پاکی و رفاه خانواده طبقه متوسط را یک آرمان محسوب می‌کند. در کنار این دیدگاه‌ها، مصرف زیاد و تجمل‌گرایی نکوهش می‌شود. وبر (۱۳۸۲) نتیجه می‌گیرد که تسهیل ظهور نظام سرمایه داری حاصل اصول اخلاقی پروتستان است.

همچنین بر اساس چنین دیدگاهی است که تشریح و تبیین رفتارهای اقتصادی بر اساس و تحت تأثیر دین، طیف گسترده‌ای از تحقیقات در دهه‌های اخیر را در حوزه اقتصاد اسلامی به خود اختصاص داده است. رفتارهای اقتصادی و از جمله رفتارهای مصرفی افراد تحت تأثیر فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی شکل می‌گیرد و این در حالی است که در نظریه‌های اقتصادی مصرف نظیر نظریه درآمد مطلق و درآمد دائمی، توجه چندانی به این عامل مهم نشده است. به بیان دقیق‌تر، در این نظریه‌ها، فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی غالباً با عنوان کلی سلیق فردی به صورت عاملی داده شده و معین که خارج از حوزه اقتصاد تعیین می‌شود در نظر گرفته می‌شود. به همین دلیل نظریه‌های اقتصادی مصرف برای تبیین نقش عوامل فرهنگی و اخلاقی بر رفتار مصرفی افراد، ناکافی بوده و در آن‌ها به ریشه‌های مصرف و مولفه‌های تشکیل‌دهنده آن بی‌توجهی شده است (موسایی، ۱۳۸۸). ارزش‌ها و هنجارهای گوناگون می‌تواند در رفتارهای اقتصادی افراد موثر باشد از جمله ارزش‌هایی نظیر صبر (ترجیحات زمانی) و نوع‌دوستی بر پس‌انداز خانواده‌ها موثر است (گوئین^۱، ۲۰۱۶).

اگر بپذیریم ورود اخلاق به مباحث و تحلیل‌های اقتصادی می‌تواند موجب تغییراتی در آن‌ها شده و همین‌طور راه‌حل‌های جدیدی ایجاد کند باید گفت اصلاح و توسعه مفهوم عقلانیت اقتصادی بر اساس مفهوم نوع‌دوستی را یکی از مصداق‌های مهم ورود اخلاق به تحلیل‌های اقتصادی است (توحیدی نیا، ۱۳۸۸).

در پژوهش حاضر به دنبال ارائه یک الگوی اخلاقی برای مصرف و پس‌انداز با تأکید بر خیرخواهی هستیم. یکی از فضایل اخلاقی که می‌تواند تأثیر بسزایی بر پس‌انداز افراد داشته باشد، خیرخواهی و یا همان نوع‌دوستی است. در اقتصاد متداول معمولاً این فضیلت در قالب روابط نزدیک مطرح شده و تأکید زیادی بر نوع‌دوستی در درون خانواده شده است. نوع‌دوستی زن و شوهر در خانواده عاملی در جهت کاهش پس‌انداز معرفی شده

است. در این دیدگاه با توجه به نامشخص بودن درآمد در آینده، نوع دوستی موجب سهیم شدن زن و شوهر در ریسک شده و در نتیجه لزوم پس انداز احتیاطی برای آینده کاهش می یابد (نوردبلام^۱، ۱۹۹۷). همچنین بنابر دیدگاه دیگری، نوع دوستی والدین نسبت به فرزندان از عواملی است که موجب افزایش پس انداز افراد با هدف به جای گذاشتن ارث برای فرزندان می شود (داینان^۲ و همکاران، ۲۰۰۲). بر اساس مطالعه بوآر^۳ (۲۰۱۷) والدین در برابر ریسک درآمدی فرزندان، اقدام به کاهش مصرف و افزایش پس انداز به منظور حمایت مالی از فرزندان در آینده می کنند.

در ادیان و به ویژه اسلام سعی شده که بر پایه تقویت عقاید مذهبی، فضایل اخلاقی به بالاترین سطح ممکن ارتقا یابد و در این راستا، دایره شمول خیرخواهی و نوع دوستی فرد مسلمان از دایره روابط خانوادگی فراتر رفته و به کل افراد جامعه بشری گسترش یابد. بر این اساس، فرد در مورد تخصیص درآمد خود به مصرف، پس انداز و انفاق، منافع خود، خانواده و نیازمندان جامعه را در نظر می گیرد. خیرخواهی فرد جوانی که توانایی کار و کسب درآمد دارد، نسبت به افراد نیازمندی که وی در دوره های جوانی و پیری خود با آن ها مواجه است، مطرح می شود و لازمه خیرخواهی و کمک به افراد نیازمندی که وی در دوره پیری خود با آن ها مواجه می شود، این است که وی از بخشی از پس انداز خود، انفاق کند. بنابراین، فرد جوان در تخصیص درآمد خود علاوه بر مصرف دوره پیری خود و نیازهای خانواده اش، انفاق دوره پیری خود را نیز مدنظر قرار داده و در نتیجه انگیزه های بیشتری برای پس انداز دارد. بنابراین، در اسلام با اضافه شدن انفاق به عنوان یکی از مولفه های اساسی تخصیص درآمد، انگیزه بیشتری در فرد برای پس انداز بخش قابل توجهی از درآمد برای تامین نیازهای نیازمندان در آینده ایجاد می شود. بر این اساس، تاثیر مثبت انگیزه خیرخواهی (رفتارهای باز توزیعی) بر پس انداز در چارچوب اقتصاد اسلامی، فرضیه ای است که در این تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد.

1- Nordblom

2- Dynan

3- Boar

۳-۳- بازتوزیع در اقتصاد اسلامی

بر مبنای اصول اقتصاد اسلامی، عدالت اقتصادی زمانی در جامعه برقرار می‌شود که از طریق ادای حقوق اجتماعی و اقتصادی آحاد جامعه، نیازهای اساسی همه مردم مرتفع شود. در برخی روایات از معصومین معیار بی‌نیازی مردم برای عدالت اقتصادی مطرح شده است از آن جمله می‌توان به روایتی از امام صادق (ع) اشاره کرد که فرمودند: «به تحقیق هرگاه عدالت در بین مردم اجرا شود، بی‌نیاز شوند» (حر عاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۶، ص ۱۵۹). مساله مهم در این رابطه، قائل شدن حق برای فقرا و نیازمندان در اموال ثروتمندان است. فرد مسلمان با انفاق بخشی از مال خود به افراد فقیر به شرط اینکه این کار را با قصد قربت به خداوند متعال انجام دهد، تزکیه شده و اجر معنوی به دست می‌آورد و فرد فقیر هم حق خود را بدون منت و با حفظ کرامت انسانی خود دریافت کرده و از فقر نجات پیدا می‌کند (خاندوزی، ۱۳۹۰: ۲۵۹-۲۶۳). همچنین از نظر برخی از آیات قرآن کریم (سوره تغابن آیه ۱۷، سوره سبا آیه ۳۹، سوره روم آیه ۳۹، سوره آل عمران آیه ۱۸۰، سوره بقره آیه ۲۴۵، و سوره حدید آیه ۱۱) برقرار شدن عدالت بازتوزیعی از طریق انفاق و قرض الحسنه دارای منافع دنیوی است (خاندوزی، ۱۳۹۰: ۲۵۷-۲۵۸).

علاوه بر تامین زندگی فقرا در حد کفاف، ملاک دیگری هم برای برقراری عدالت بازتوزیعی وجود دارد و آن عبارت است از برقراری توازن در سطح زندگی افراد جامعه و به عبارت دیگر از بین رفتن تفاوت فاحش طبقاتی. بنابر نظر علامه طباطبائی (ره) سعادت یک جامعه زمانی محقق می‌شود که طبقات مختلف مردم در بهره‌مندی از امکانات زندگی در سطوحی نزدیک به هم قرار داشته باشند و انفاقات مالی از بزرگ‌ترین عوامل دست‌یابی به این هدف است (طباطبائی، ۱۳۸۰، ج ۱۵، ص ۱۱-۱۰).

بر اساس نظریه شهید صدر (۱۳۴۹: ۳۱۱-۲۹۰) عدالت اجتماعی بر اساس دو اصل تامین اجتماعی و توازن اجتماعی محقق می‌شود. اصل تامین اجتماعی شامل دو اصل است: اصل کفالت عمومی و اصل سهیم بودن مردم در درآمدهای دولتی. اصل کفالت عمومی به اصل اخوت اسلامی مربوط بوده و به معنای مسئولیت متقابل افراد نسبت به یکدیگر است و به موجب آن، مسلمانان کفالت یکدیگر را برعهده دارند و در این رابطه دولت موظف به ملزم کردن مردم به رعایت تکالیف شرعی خود است.

علاوه بر آن براساس اصل سهیم بودن مردم در درآمدهای دولتی، دولت به صورت مستقیم وظیفه دارد که سطح زندگی همه افراد جامعه را در حد کفایت و بی‌نیازی تامین کند. همچنین بر اساس اصل توازن اجتماعی باید توازن افراد جامعه از حیث سطح زندگی آن‌ها برقرار باشد و دولت می‌تواند از سه طریق برای دستیابی به توازن اجتماعی اقدام کند: وضع مالیات‌های ثابت، فعالیت‌های بخش عمومی و اختیارات قانونی و حقوقی (صدر، ۱۳۴۹: ۳۱۱-۲۹۰).

میرمعزی (۱۳۹۳: ۲۹۴-۲۹۰) با اشاره به روایاتی که بر اساس آن‌ها دولت وظیفه تامین نیازهای فقرا را در حد کفاف برعهده دارد و همین‌طور روایات دیگری که مردم وظیفه تامین نیازهای فقرا را در حد کفاف برعهده دارند، نتیجه می‌گیرد که بر مردم و دولت واجب کفایی است که نیاز نیازمندان را در سطح کفاف تامین کنند و دولت در این زمینه دو وظیفه دارد: اول اینکه برای تحقق این وظیفه از سوی مردم، زمینه‌های لازم فرهنگی، قانونی و سازمانی را ایجاد کند. دوم اینکه بخشی از درآمدهایی که در اختیار دولت قرار دارد را در این راه صرف کند (میرمعزی، ۱۳۹۳: ۲۹۴-۲۹۰). همچنین دولت در صورت عدم کفایت خمس و زکات و سایر اموال و درآمدهای خود می‌تواند برای کاهش فقر و نابرابری از ثروتمندان مالیات گرفته و صرف فقرا کند (همان، ۳۰۷).

اولین راهکار برقراری عدالت بازتوزیعی در اسلام، پرداخت‌های واجب و مستحبی افراد شامل خمس، زکات، صدقه، انفاق، وقف و ... است که در اسلام تاکید فراوانی بر آن شده است و این پرداخت‌ها باید به قصد تقرب به خداوند انجام شود. خاندوزی (۱۳۹۰: ۲۷۲-۲۶۴) با تحلیل آیات متعددی از قرآن کریم به این نتیجه می‌رسد که سازوکارهای اجتماعی خودجوش نظیر انفاق راهکار اصلی و مورد تاکید اسلام برای برقراری عدالت بازتوزیعی است، اما در صورتی که پرداخت‌های افراد به اندازه‌ای نباشد که مصرف فقرا را در حد کفاف تامین کند، دولت اسلامی مسئول خواهد بود و با توجه به وجود برخی مالکیت‌های دولتی در اقتصاد اسلامی، دولت از اموال و درآمدهای خود برای این منظور استفاده می‌کند و اگر در شرایطی پرداخت‌های افراد و اموال و درآمدهایی که دولت اسلامی می‌تواند به فقرا تخصیص دهد، کافی نباشد، دولت موظف است از طریق وضع مالیات‌های حکومتی، مصرف فقرا را در حد کفاف تامین کند (عیوضلو، ۱۳۸۴: ۲۵۰-۲۴۹).

تأثیر رفتار بازتوزیعی بر پس‌انداز و انباشت سرمایه... ۱۶۷

بر اساس آیه ۲۵ سوره حدید، هدف فرستادن پیامبران این است که مردم به قسط رفتار کنند و به صورت خودجوش، آن را به پا دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲۳، ص ۳۷۲). بنابراین از نگاه قرآن، عدالت زمانی در جامعه برقرار می‌شود که در رفتار مردم تجلی یابد. به اعتقاد جهانیان، عادلانه بودن قوانین و نهادهای سیاسی یک جامعه برای اجرای عدالت در آن کافی نیست، بلکه یک مقدمه ضروری برای آن است و در نهایت این رفتار و منش مردم است که تطابق آن با معیارهای عدالت، میزان اجرایی و عملی شدن عدالت در جامعه را تعیین می‌کند. میزان تطابق رفتار و منش مردم با اصول و معیارهای عدالت بستگی به عوامل زیادی می‌تواند داشته باشد. یکی از این عوامل، میزان اعتقادات اسلامی و تعهدات اخلاقی مردم است و عامل مهم دیگر، اخلاق و رفتار رهبران سیاسی و اخلاقی مردم است. اگر رهبران سیاسی و اخلاقی به زهد عمل کرده و احسان و مساوات داشته باشند، مردم به قسط عادت کرده و عدالت محقق می‌شود (جهانیان، ۱۳۸۹). نکته قابل توجه در این بحث، تأکیدی است که در اسلام در مورد نقش هدایتی و تربیتی حکومت وجود دارد. به عنوان نمونه امام علی (ع) فرمود: «مردم به امرای خود شبیه‌ترند تا به پدران خود» (تحف العقول، ص ۲۰۸). در حالی که در نظریه‌های عدالت مطرح در اقتصاد متداول، توجهی به نقش هدایتی و تربیتی مدیران بخش عمومی نمی‌شود.

با توجه به اینکه این مقاله درباره عدالت بازتوزیعی است، رفتارهای عادلانه افراد در حوزه عدالت بازتوزیعی را رفتارهای بازتوزیعی می‌نامیم. میزان اجرایی و عملی شدن عدالت بازتوزیعی در جامعه اسلامی بیش از هر چیز بستگی به رفتارهای عادلانه افراد در این حوزه (رفتارهای بازتوزیعی) دارد، یعنی بستگی به این دارد که افراد چقدر به فقرا توجه کرده و تا چه میزان برای رفاه آنها اهمیت قائل هستند و در رفع فقر و محرومیت‌های جامعه مشارکت می‌کنند. هر چه ثروتمندان در عین توجه به رفاه خود، اهمیت بیشتری برای رفاه فقرا قائل باشند، عدالت بازتوزیعی به نحو بهتر و کامل‌تری در جامعه اجرا می‌شود. به نظر عیوضلو (۱۳۸۴: ۲۷۹) شرایط عدالت زمانی در یک جامعه تامین می‌شود که «یک فرد مسلمان، رفاه خود را در چارچوب شریعت اسلام و در پرتو توجه نسبی به دیگران، در حدی که خود فدا نشود، می‌شناسد و به امید نیل به نقاط تعادلی مطلوب در جامعه اسلامی افراد مستحق را جزو رفاه خود تعریف می‌کند».

۴- رفتار بازتوزیعی در الگوی نسل‌های همپوشان

در این تحقیق مطلوبیت حاصل از مصرف افراد را شاخصی برای سطح رفاهی آن‌ها فرض می‌کنیم. بر اساس توضیحاتی که در مورد عدالت بازتوزیعی بیان شد، تابع هدف هر فرد ثروتمند به صورت رابطه (۱) در نظر گرفته می‌شود^۱ که در آن U_t برابر کل مطلوبیت فرد جوان ثروتمند، c_t و c'_t به ترتیب برابر مصرف فرد ثروتمند و مصرف فرد فقیر دوره t ، و ϵ تابع مطلوبیت حاصل از مصرف افراد (ثروتمندان و فقرا) است. ضریب ϵ در رابطه (۱) بیانگر اهمیت رفاه فقرا در تابع هدف ثروتمندان است و هرچه این ضریب بزرگ‌تر باشد، توجه بیشتری به فقرا می‌شود و اختلاف سطح رفاهی فقرا با ثروتمندان کاهش می‌یابد و عدالت بازتوزیعی به نحو کامل‌تری برقرار می‌شود. بنابراین، می‌توان ضریب ϵ را شاخصی برای میزان برقراری عدالت بازتوزیعی و به عبارت دیگر شاخص رفتار بازتوزیعی افراد در نظر گرفت.

$$U_t = u(c_t) + \epsilon u(c'_t) \quad (۱)$$

ضریب ϵ عددی بین صفر و یک است. به عنوان مثال در تابع فوق اگر ضریب ϵ برابر $0/9$ باشد به منزله این است که فرد ثروتمند اهمیتی که برای مطلوبیت مصرف یک فرد فقیر قائل است کمی کمتر، اما تقریباً برابر اهمیتی است که برای مطلوبیت مصرف خودش قائل است. اگر ضریب ϵ برابر $0/1$ باشد به منزله این است که فرد ثروتمند اهمیت چندانی برای مطلوبیت مصرف فرد فقیر قائل نیست و خیلی بیشتر از آن به مطلوبیت مصرف خودش توجه دارد.

در مدل‌های اقتصاد متداول معمولاً مطلوبیت هر فرد را تابعی از مصرف وی (و نه مصرف فقرا) فرض می‌کنند. در تابع فوق با وارد کردن مطلوبیت فقرا در تابع مطلوبیت ثروتمندان، تابع مطلوبیت از حالت فردگرایی محض مبتنی بر منافع شخصی خارج شده و ترجیحات اجتماعی مبتنی بر انگیزه‌های دینی وارد تابع مطلوبیت شده است. با فرض نهادینه شدن کامل اعتقادات و دیدگاه‌های اسلامی در جامعه، مبنای قرارداد اجتماعی در میان مسلمانان، عمل بر اساس چارچوب شریعت است و هر مسلمان منافع خود را در استقرار

۱- این رابطه در این بخش فقط برای توضیح چارچوب نظری تحقیق بیان شده و رابطه کامل‌تر آن در بخش‌های بعدی ارائه خواهد شد.

چارچوب شریعت و موازین اسلامی در جامعه می‌شناسد. در نتیجه مفهوم عقلانیت از دایره منافع شخصی به منافع اجتماعی تعمیم می‌یابد. بر این اساس، تابع مطلوبیت فرد مسلمان (تابع مطلوبیت حقیقی) تابعی از رضایتمندی خود و دیگران (به عنوان تقریبی از رضایت الهی) است و فرد مسلمان به نحوی میان خود و دیگران جمع می‌کند که هم رضایت خود و هم رضایت دیگران را در پی داشته باشد و این نوعی از تعریف عدالت است (عیوضلو، ۱۳۸۴: ۱۷۶-۱۷۳ و ۲۷۷). به بیان دیگر، اگر بپذیریم رفتارهای عادلانه، ثمره بینش صحیح و رسوخ ارزش‌های اخلاقی است (خاندوزی، ۱۳۹۰: ۳۴۴-۳۳۹) آنگاه اهمیت نسبی رفاه افراد فقیر در تابع هدف فرد ثروتمند بستگی به ایمان و اعتقادات و تکامل اخلاقی و معنوی فرد دارد. هر چه فرد از ایمان و اعتقادات قوی‌تر، و تکامل اخلاقی و معنوی بیشتری برخوردار باشد، رفاه افراد فقیر در تابع هدف او از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و به بیان ریاضی، ضریب رفاه افراد فقیر در تابع هدف فرد ثروتمند (ضریب β در رابطه (۱)) بزرگ‌تر است و عدالت بازتوزیعی به نحو کامل‌تری اجرا می‌شود.

۴-۱- فروض الگو

در ساده‌ترین حالت الگوی نسل‌های همپوشان فرض می‌شود که افراد در دو دوره جوانی و پیری زندگی می‌کنند. افراد جوان کار کرده و در دوره جوانی دستمزدی را دریافت می‌کنند. بخشی از این دستمزد را در همان دوره مصرف و مابقی را برای مصرف دوره پیری پس‌انداز می‌کنند. در دوره بعدی جوانان وارد دوره پیری شده و فرض می‌شود که دیگر کار نمی‌کنند و همان پس‌انداز دوره جوانی را سرمایه‌گذاری کرده و عواید حاصل از این سرمایه‌گذاری را مصرف می‌کنند. روابط این الگو با مطلوبیت فرد جوان شروع می‌شود که به صورت رابطه (۲) است که در آن $u(c_t)$ مطلوبیت فرد جوان از مصرف دوره جوانی، $u(c_{t+1})$ مطلوبیت فرد جوان از مصرف دوره پیری، و ضریب β برابر نرخ تنزیل ذهنی مصرف‌کننده است.

$$U_t = u(c_t) + \beta u(c_{t+1}) \quad (2)$$

معمولاً در تحلیل مسائل گوناگون اقتصادی با استفاده از الگوی نسل‌های همپوشان یک یا چند فرض به الگو افزوده می‌شود که موجب افزودن یک یا چند جمله به تابع مطلوبیت فرد جوان (رابطه (۲)) می‌شود. به عنوان نمونه به برخی از مطالعات اشاره می‌شود:

۱- سپیریانی^۱ (۲۰۱۴) برای بررسی تاثیر نرخ زاد و ولد بر عملکرد سیستم بازنشستگی در یکی از حالت‌ها فرض می‌کند که فرد جوان به طور غریزی از داشتن فرزند، مطلوبیت به دست می‌آورد و مطلوبیت حاصل از داشتن فرزندان را به صورت تابعی از نرخ زاد و ولد (Ω_t) با ضریب γ وارد الگو کرده و تابع مطلوبیت فرد جوان را به صورت رابطه (۳) در نظر می‌گیرد.

$$U_t = u(c_{1t}) + \beta u(c_{2t+1}) \gamma u(\Omega_t) \quad (3)$$

۲- علی و مایلز^۲ (۲۰۱۰) برای بررسی اثر زکات بر انباشت سرمایه، فرض می‌کنند که فرد مسلمان از دادن زکات مطلوبیت کسب می‌کند و مقدار زکات پرداخت شده (Z_t) را با ضریب γ وارد الگو کرده و تابع مطلوبیت فرد جوان ثروتمند را به صورت رابطه (۴) در نظر می‌گیرد.

$$U_t = \alpha u(c_{1t}) + \beta u(c_{2t+1}) \gamma u(Z_t) \quad (4)$$

در تحقیق حاضر فرض می‌شود که فرد ثروتمند از مصرف فقرای هم دوره خود مطلوبیت به دست می‌آورد و بر این اساس تابع هدف فرد جوان ثروتمند مشابه الگوی علی و مایلز (۲۰۱۰) در نظر گرفته شده که در بخش بعدی ارائه خواهد شد. سایر فروض الگو برای جامعه اسلامی به صورت زیر است:

۱- در اقتصاد اسلامی، پرداخت‌های افراد به فقرا به دو گونه است؛ نوع اول، پرداخت‌هایی نظیر صدقه، بخشش و وقف (انفاق‌های مستحبی) است که به صورت اختیاری و داوطلبانه و با قصد تقرب به خدای متعال انجام شده و افراد از انجام این کار رضایت خاطر (مطلوبیت) کسب می‌کنند. نوع دوم، پرداخت‌هایی نظیر خمس و زکات و همین‌طور، مالیات‌های ثانویه‌ای است که دولت در شرایط خاصی برای تامین نیازهای فقرا وضع می‌کند و افراد از روی اجبار انجام می‌دهند (عیوضلو، ۱۳۸۴: ۲۲۵-۲۱۸). پرداخت‌های نوع دوم ممکن است در برخی افراد که از اعتقادات قوی برخوردارند، مطلوبیت ایجاد کند و در برخی دیگر مطلوبیتی ایجاد نکند. در این تحقیق فرض می‌کنیم که افراد از پرداخت مالیات‌های ثانویه، مطلوبیتی کسب نمی‌کنند، زیرا در صورتی که از چنان رشد عقیدتی و اخلاقی برخوردار بودند که از وضع چنین مالیاتی مطلوبیت کسب می‌کردند باید پرداخت

1- Cipriani

2- Ali and Myles

تأثیر رفتار بازتوزیعی بر پس انداز و انباشت سرمایه... ۱۷۱

انفاق‌های واجب و مستحبی در سطح وسیعی انجام می‌شد و در آن صورت دیگر نیازی به وضع چنین مالیات‌هایی از سوی دولت نبود.

افراد ثروتمند ممکن است بسته به میزان اعتقادات و رشد اخلاقی خود از پرداخت بخشی از درآمد خود به فقرا که به شکل‌های گوناگون نظیر انفاق‌های مستحبی و یا خمس و زکات، صورت می‌گیرد، مطلوبیت کسب کنند. پرداخت‌هایی که برای فرد ثروتمند، مطلوبیت ایجاد می‌کند را به طور کلی، «انفاق» نامیده و نسبت این گونه پرداخت‌ها را به درآمد فرد در هر یک از دوره‌های جوانی و پیری به ترتیب با Z و Z' نشان داده می‌شود. فرد ثروتمند در تخصیص درآمد خود بین مصرف، پس انداز و انفاق انتخاب می‌کند. در مقابل در این تحقیق، مالیات‌هایی که پرداخت آن برای فرد هیچ مطلوبیتی ندارد به طور خلاصه «مالیات» نامیده می‌شود.

۲- پیش از این بحث شد که ε در رابطه (۱) بیانگر اهمیت رفاه فقرا در تابع مطلوبیت ثروتمندان بوده و شاخصی برای عدالت بازتوزیعی و به بیان دقیق‌تر، شاخص رفتارهای بازتوزیعی در نظر گرفته می‌شود. بحث دیگر در مورد رابطه (۱) این است که آیا فرد ثروتمند از تمام مصرف فرد فقیر مطلوبیت کسب می‌کند و یا از بخشی از مصرف فرد فقیر که در نتیجه کمک او محقق شده، مطلوبیت کسب می‌کند؟

اگر فرض کنیم که فرد ثروتمند از تمام مصرف فرد فقیر مطلوبیت کسب می‌کند، این فرض به این معنی است که فرد ثروتمند با افزایش کمک دیگران به فرد فقیر، می‌تواند با کاهش کمک خود به فرد فقیر، همان مقدار رضایت خاطر کسب کند و این در حالی است که افراد مسلمان به خاطر داشتن انگیزه‌های الهی، صرف نظر از انفاق دیگران از انفاق خود مطلوبیت کسب می‌کنند. بنابراین، فرض دوم که فرد ثروتمند از بخشی از مصرف فرد فقیر که در نتیجه کمک او محقق شده، مطلوبیت کسب می‌کند، انطباق بیشتری با اصول اقتصاد اسلامی دارد.

۳- بررسی فرض وجود رجحان زمانی مصرف: در اقتصاد متداول گفته می‌شود که افراد نوعی طبیعت بی‌صبری داشته و از این رو، مصرف حال را بر آینده ترجیح می‌دهند. به همین دلیل در رابطه (۱) فرض می‌شود که ضریب مطلوبیت مصرف دوره پیری (β) کوچک‌تر از یک است. ون مایسز^۱ (۱۹۴۹:۴۸۶) معتقد است که رجحان زمانی بخشی از

1- Von Mises

رفتار انسان است و اگر ما رجحان زمانی نداشته باشیم، مدام مصرف را عقب می‌اندازیم. پیگو^۱ (۱۹۲۰: ۲۴-۲۵) رجحان زمانی را نشانه نقص در بینش افراد در مورد آینده تلقی می‌کند. رمزی^۲ (۱۹۲۸) رجحان زمانی را نشانه کوتاه بینی افراد و عامل کاهش پس‌انداز آن‌ها برمی‌شمارد و وارد کردن نرخ تنزیل را در تابع رفاه اجتماعی، غیر اخلاقی و غیر منصفانه می‌داند.

حال سوال این است که آیا در چارچوب اقتصاد اسلامی، فرض وجود رجحان زمانی قابل طرح است؟ در پاسخ این سوال باید گفت که افراد مختلف در جوامع گوناگون (چه اسلامی و چه غیر اسلامی) دارای بینش‌ها و خصوصیات اخلاقی گوناگونی هستند و ممکن است درجاتی از رجحان زمانی در آن‌ها وجود داشته باشد. در جامعه اسلامی افراد به سمت فضایل اخلاقی نظیر صبر، قناعت و آینده‌نگری ترغیب و هدایت می‌شوند، اما به هر حال وجود رجحان زمانی مصرف در افراد جامعه اسلامی محتمل بوده و به طور کلی فرض $0 < \beta \leq 1$ در مورد آن‌ها مصداق دارد. با این فرض هر دو حالت وجود و عدم وجود رجحان مصرف حال بر آینده در نظر گرفته می‌شود.

۴-۲- شرط بهینه افراد

در این الگو فرض می‌شود که جمعیت با نرخ ثابتی افزایش می‌یابد. افراد به دو دسته ثروتمند و فقیر تقسیم می‌شوند: فرد فقیر فردی است که بدون کمک سایرین نمی‌تواند نیازهای خود را در حد کفاف تامین کند و سایر افراد ثروتمند محسوب می‌شوند. افراد ثروتمند فقط در دوره جوانی کار می‌کنند و دستمزد حاصل از کار خود را مصرف یا پس‌انداز کرده و یا به فقرا کمک می‌کنند و در دوره پیری پس‌انداز خود را تبدیل به سرمایه تولید کرده و درآمد حاصل از این سرمایه‌گذاری را مصرف کرده و یا به فقرا کمک می‌کنند.

فرض می‌کنیم افراد فقیر در این جامعه کار نکرده و در هر دوره با دریافت کمک‌هایی از مردم و دولت، می‌توانند مصرفی در حد کفاف داشته و بنابراین پس‌اندازی ندارند و تمام کمک‌هایی که در هر دوره به آن‌ها می‌شود را در همان دوره مصرف می‌کنند و در نتیجه

1- Pigou

2- Ramsey

تاثیر رفتار بازتوزیعی بر پس انداز و انباشت سرمایه... ۱۷۳

هیچ انتخابی برای تخصیص درآمد خود ندارند. بنابراین، تنها افراد ثروتمند در دوره جوانی در مورد تخصیص درآمد خود میان مصرف، پس انداز و انفاق و همین طور در دوره پیری در مورد تخصیص درآمد خود میان مصرف و انفاق انتخاب می کنند و افراد فقیر هیچ انتخابی ندارند، زیرا هر آنچه به دست می آورند، مصرف می کنند.

همچنین فرض می شود که هر فرد مسلمان به خاطر داشتن انگیزه های الهی، علاوه بر مصرف خود در دوره های جوانی و پیری از از بخشی از مصرف فرد فقیر که در نتیجه کمک او محقق شده هم مطلوبیت کسب می کند. بنابراین، اگر فرد ثروتمند در دو دوره t و $t+1$ زندگی کند به فقرای این دو دوره کمک می کند. بر این اساس، تابع هدف هر فرد جوان ثروتمند مشابه الگوی علی و مایلز (۲۰۱۰) به صورت رابطه (۵) در نظر گرفته می شود که در آن U_t برابر کل مطلوبیت فرد ثروتمند، C_t و C_{t+1} به ترتیب مصرف دوره جوانی و دوره پیری فرد ثروتمند، $u(\cdot)$ تابع مطلوبیت حاصل از مصرف افراد (ثروتمندان و فقرا)، β ضریب تنزیل ذهنی مصرف کننده بین دو دوره زندگی، ε ضریب اهمیت رفاه فقرا در تابع مطلوبیت ثروتمندان، و C'_t و C'_{t+1} به ترتیب بخشی از مصرف فرد فقیر در دوره های t و $t+1$ است که از انفاق فرد جوان ثروتمند دوره t (در دو دوره جوانی و پیری فرد ثروتمند) تامین می شود.

$$U_t = u(c_t) + \beta u(c_{t+1}) + \varepsilon(u(c'_t) + u(c'_{t+1})) \quad (5)$$

اگر w_t دستمزد فرد جوان، s_t پس انداز فرد جوان، Z_t نسبت انفاق به درآمد (نرخ انفاق) فرد جوان در دوره t و τ_t نسبت مالیات به درآمد (نرخ مالیات) فرد جوان در دوره t باشد، مصرف هر فرد ثروتمند در دوره جوانی به صورت رابطه (۶) است.

$$c_t = w_t(1 - Z_t - \tau_t) - s_t \quad (6)$$

در رابطه (۶) فرض می شود که تمام پس انداز فرد جوان ثروتمند در دوره بعد سرمایه گذاری می شود به این صورت که فرد با استفاده از پس انداز خود در دوره پیری کارخانه یا ابزار تولید می خرد و آن ها را در کار تولید صرف می کند. اصل سرمایه در طول دوره مستهلک شده و از بین می رود و تنها سود حاصل از سرمایه گذاری برای فرد باقی می ماند که می تواند آن را مصرف و یا انفاق کند.

اگر ρ_t نرخ بازدهی سرمایه گذاری در دوره t ، Z'_{t+1} نسبت انفاق به درآمد فرد (نرخ انفاق) در دوره پیری (دوره $t+1$)، و τ_{t+1} نسبت مالیات به درآمد (نرخ مالیات) فرد پیر در دوره $t+1$ باشد، مصرف هر فرد ثروتمند در دوره پیری به صورت رابطه (۷) است.

$$c_{y,t+1} = s_t \rho_{t+1} (1 - Z'_{t+1} - \tau_{t+1}) \quad (7)$$

بخشی از مصرف فرد فقیر در دوره t که از انفاق فرد جوان ثروتمند دوره t تامین می شود را با c'_{1t} نشان دادیم. بر این اساس اگر تعداد جوانان ثروتمند و تعداد فقرا در دوره t را به ترتیب با N_t و N'_t نشان دهیم، رابطه (۸) برقرار است.

$$N_t w_t z_t = N'_t c'_{1t} \quad (8)$$

از رابطه (۸) می توان c'_{1t} را به صورت رابطه (۹) به دست آورد که در رابطه (۹)، γ_t برابر با نسبت تعداد فقرا به ثروتمندان دوره t است.

(۹)

$$c'_{1t} = \frac{w_t z_t}{\gamma_t}$$

به همین ترتیب می توان رابطه مشابهی به صورت رابطه (۱۰) برای $c'_{y,t+1}$ به دست آورد که در رابطه (۱۰)، γ_{t+1} برابر با نسبت تعداد فقرا به ثروتمندان دوره $t+1$ ، n نرخ رشد جمعیت هر دوره نسبت به دوره قبل و $c'_{y,t+1}$ بخشی از مصرف فرد فقیر در دوره $t+1$ است که از انفاق فرد جوان ثروتمند دوره t تامین می شود.

$$c'_{y,t+1} = \frac{s_t \rho_{t+1} Z'_{t+1}}{(1+n) \gamma_{t+1}} \quad (10)$$

۴-۳- رابطه پس انداز و حجم سرمایه و شرایط بنگاه

در این الگو فرض می شود که پس انداز جوانان ثروتمند هر دوره به سرمایه دوره بعد تبدیل می شود. بنابراین، پس انداز دوره t ($N_t s_t$) برابر با سرمایه دوره $t+1$ ($N_{t+1} k_{t+1}$) می شود. بنابراین، با در نظر گرفتن n به عنوان نرخ رشد جمعیت هر دوره نسبت به دوره قبل، رابطه (۱۱) برقرار است.

$$s_t = (1+n) k_{t+1} \quad (11)$$

تاثیر رفتار بازتوزیعی بر پس انداز و انباشت سرمایه... ۱۷۵

در الگوی این تحقیق، تابع تولید به صورت $Y_t = F(K_t, N_t)$ فرض می‌شود که در آن K_t مقدار سرمایه، N_t تعداد نیروی کار است. همچنین فرض می‌شود که صاحب سرمایه، حق معین و از پیش تعیین شده‌ای نداشته و به جای آن، بخشی از سود حاصل از تولید به او تعلق می‌گیرد. در این شرایط، سود حاصل از تولید به صورت رابطه (۱۲) است که در این رابطه \bar{w}_t دستمزد ثابت و معینی است که به نیروی کار پرداخت می‌شود.

$$\Pi_t = F(K_t, N_t) - \bar{w}_t N_t \quad (12)$$

در اقتصاد اسلامی، دستمزد نیروی کار می‌تواند مقداری معین و از پیش تعیین شده و یا سهمی از سود بنگاه باشد و یا به صورت ترکیبی از این دو حالت مشخص شود. برای لحاظ کردن تمام این حالت‌ها، همان‌گونه که عیوضلو (۲۱۴-۲۱۳: ۱۳۸۴) فرض می‌کند در این تحقیق فرض می‌شود که دستمزد نیروی کار به صورت مجموع دستمزد ثابت \bar{w}_t و سهمی از سود سرانه است (رابطه (۱۳)):

$$w_t = \bar{w}_t + \mu \frac{\Pi_t}{N_t} \quad (13)$$

به منظور حداکثر کردن سود بنگاه از رابطه (۱۲) نسبت به N_t مشتق جزئی گرفته و از این طریق نرخ دستمزد ثابت به صورت رابطه (۱۴) به دست می‌آید که در این رابطه، k_t سرمایه سرانه و $f(k_t)$ تولید سرانه در دوره t است.

$$\bar{w}_t = f(k_t) - k_t f'(k_t) \quad (14)$$

با استفاده از روابط (۱۲)، (۱۳) و (۱۴) نرخ دستمزد به صورت رابطه (۱۵) به دست می‌آید.

$$w_t = f(k_t) - (1-\mu)k_t f'(k_t) \quad (15)$$

نرخ سود حاصل از سرمایه‌گذاری به صورت نسبت سود تعلق گرفته به ازای هر واحد سرمایه تعریف شده و از رابطه (۱۶) به دست می‌آید.

$$\rho_t = (1-\mu) f'(k_t) \quad (16)$$

۴-۴- محدودیت بودجه دولت اسلامی

دولت اسلامی وظیفه دارد که برای برقراری عدالت طوری برنامه‌ریزی کند که همه افراد بتوانند نیازهای مادی خود را در حد کفاف برآورده سازند. بنابراین، در صورتی که

پرداخت‌های انتقالی اختیاری به فقرا نظیر انفاق به اندازه‌ای نباشد که مصرف آن‌ها را در حد کفاف تامین کند، دولت اسلامی از طریق اختصاص بخشی از درآمدهای خود و یا در صورت لزوم از طریق وضع مالیات، مصرف آن‌ها را در حد کفاف تامین می‌کند. مالیات در این تحقیق به صورت یک پرداخت انتقالی اجباری تعریف شده که در شرایط خاصی برای تامین نیازهای فقرا وضع می‌شود و افراد از پرداخت آن، مطلوبیتی کسب نمی‌کنند. بر اساس فرضیات صورت گرفته، مصرف فرد فقیر در هر دوره برابر سهم هر فقیر در مجموع انفاق و مالیات مربوط به افراد جوان و پیر آن دوره و همین طور مبالغ دیگری که از سوی دولت پرداخت می‌شود، است که از رابطه (۱۷) به دست می‌آید که در این رابطه tr_t مقدار پرداخت انتقالی دولت به هر فقیر است که دولت آن را از منابع غیر مالیاتی خود در دوره t پرداخت می‌کند.

$$c_t^* = \frac{w_t(z_t + \tau_t) + \frac{s_{t-1}\rho_t(z_t + \tau_t)}{1+n}}{\gamma_t} + tr_t \quad (17)$$

دولت مالیات را طوری وضع می‌کند که مصرف فقرا در حد کفاف (c^*) تامین شود. بنابراین، بر اساس رابطه (۱۶) نرخ مالیات به صورت رابطه (۱۸) به دست می‌آید.

$$\tau_t = \frac{(c^* - tr_t) \gamma_t - w_t z_t - \frac{s_{t-1}\rho_t z_t}{1+n}}{w_t + \frac{s_{t-1}\rho_t}{1+n}} \quad (18)$$

بر اساس رابطه (۱۸)، هر چه نسبت‌های z_t و z_t' افزایش یابد، نرخ مالیات کاهش می‌یابد و نیاز کمتری به مالیات برای تامین مصرف فقرا در حد کفاف وجود دارد.

۴-۵- تحلیل الگوی تحقیق

برای حل این الگو، مقادیر مصرف را از روابط (۶)، (۷)، (۹) و (۱۰) در رابطه (۵) قرار داده و رابطه (۱۹) به دست می‌آید:

$$U_t = u(w_t(1 - z_t - \tau_t) - s_t) + \beta u(s_t \rho_{t+1} (1 - z_{t+1}' - \tau_{t+1})) + \varepsilon(u \frac{w_t z_t}{\gamma_t} + u(\frac{s_t \rho_{t+1} z_{t+1}'}{(1+n)\gamma_{t+1}})) \quad (19)$$

تأثیر رفتار بازتوزیعی بر پس‌انداز و انباشت سرمایه... ۱۷۷

سپس در رابطه (۱۹) از تابع هدف فرد ثروتمند نسبت به S_t ، Z_t و Z'_{t+1} به طور مجزا مشتق گرفته و برابر صفر قرار می‌دهیم. با حل معادلات به دست آمده، مقدار مصرف، پس‌انداز و انفاق فرد ثروتمند به دست آمده و تاثیر تغییرات ε و سایر متغیرها بر پس‌انداز فرد ثروتمند قابل بررسی خواهد بود.

برای سادگی، تابع مطلوبیت همه افراد به صورت $u(c) = \ln(c)$ فرض می‌شود. برای حل الگو ابتدا در رابطه (۱۹) از تابع هدف فرد ثروتمند نسبت به S_t مشتق جزئی گرفته و برابر صفر می‌گذاریم. با حل معادله به دست آمده، رابطه (۲۰) برای S_t به دست می‌آید

$$S_t = \frac{w_t(1-z_t-\tau_t)(\beta+\varepsilon)}{1+\beta+\varepsilon} \quad (20)$$

سپس از رابطه (۱۹) نسبت به Z_t مشتق جزئی گرفته و برابر صفر می‌گذاریم و با حل معادله به دست آمده، رابطه (۲۱) برای Z_t به دست می‌آید.

$$Z_t = \frac{\varepsilon(w_t(1-\tau_t)-S_t)}{(1+\varepsilon)w_t} \quad (21)$$

با قرار دادن مقدار Z_t از رابطه (۲۱) در رابطه (۲۰) و ساده کردن رابطه به دست آمده، رابطه (۲۲) برای S_t به دست می‌آید.

$$S_t = \frac{w_t(1-\tau_t)(\beta+\varepsilon)}{1+\beta+2\varepsilon} \quad (22)$$

همچنین با قرار دادن مقدار S_t از رابطه (۲۲) در رابطه (۲۱)، رابطه (۲۳) برای Z_t به دست می‌آید.

$$Z_t = \frac{\varepsilon(1-\tau_t)}{1+\beta+2\varepsilon} \quad (23)$$

در نهایت از رابطه (۱۹) نسبت به Z'_{t+1} مشتق جزئی گرفته و برابر صفر می‌گذاریم و با حل معادله به دست آمده، رابطه (۲۴) برای Z'_{t+1} به دست می‌آید.

$$Z'_{t+1} = \frac{\varepsilon(1-\tau_t)}{\beta+\varepsilon} \quad (24)$$

از روابط (۲۲)، (۲۳) و (۲۴) واضح است که با افزایش نرخ مالیات (τ_t)، مقادیر پس‌انداز (S_t) و نرخ‌های انفاق فرد در جوانی و پیری (Z_t و Z'_{t+1}) کاهش می‌یابد.

همچنین می‌توان نشان داد که افزایش ϵ با ثابت فرض کردن سایر شرایط، موجب افزایش پس‌انداز (S_t) و نرخ‌های انفاق فرد در جوانی و پیری (Z_t و Z_{t+1}) می‌شود.

نکته قابل توجه در این بحث، تاثیر افزایش رفتارهای بازتوزیعی بر نرخ مالیات است. با افزایش ϵ نسبت Z_t افزایش می‌یابد و براساس رابطه (۱۸) نرخ مالیات کاهش می‌یابد، یعنی نیاز کمتری به مالیات برای تامین مصرف فقرا در حد کفاف وجود دارد و در نتیجه اثر منفی که از ناحیه این مالیات بر پس‌انداز به وجود آمده، کاهش می‌یابد. بنابراین، علاوه بر تاثیر مستقیمی که افزایش ϵ در رابطه (۲۲) بر پس‌انداز دارد، این افزایش از طریق تاثیری که بر نرخ مالیات دارد، تاثیر مثبت غیرمستقیمی هم بر پس‌انداز خواهد داشت.

ادامه روند افزایش ϵ می‌تواند با کاهش نرخ مالیات منجر به حالتی شود که مصرف فقرا بدون مالیات در حد کفاف تامین شده و اثر منفی مالیات بر پس‌انداز به طور کلی حذف شود. اینکه در اقتصاد اسلامی در میان راهکارهای بازتوزیع درآمد، مالیات به عنوان آخرین راهکار مطرح شده و بیشتر بر کمک‌های مردمی نظیر انفاق تاکید شده است، نشان‌دهنده سازگاری و تطابق عدالت بازتوزیعی و رشد اقتصادی در اقتصاد اسلامی است.

برای تحلیل الگو به صورت تعادل عمومی که مشتمل بر تحلیل همزمان بخش‌ها (خانوارها، بنگاه‌ها و دولت) است به این شکل عمل می‌کنیم که ابتدا از رابطه (۱۸) نرخ مالیات را در رابطه (۲۳) قرار داده و با حل و ساده کردن رابطه به دست آمده، رابطه (۲۵) برای نرخ انفاق فرد در جوانی به دست می‌آید.

$$Z_t = \frac{\epsilon \left(w_t + \frac{S_{t-1} \rho_t (1 + Z_t)}{1 + n} - (c^* - tr_t) \gamma_t \right)}{(1 + \beta + \gamma \epsilon) \left(w_t + \frac{S_{t-1} \rho_t}{1 + n} \right) - \epsilon w_t} \quad (25)$$

همچنین با قرار دادن Z_t از رابطه (۲۵) در رابطه (۱۸) و ساده کردن رابطه به دست آمده، رابطه (۲۶) برای نرخ مالیات به دست می‌آید.

$$\tau_t = \frac{(1 + \beta + \gamma \epsilon) \left((c^* - tr_t) \gamma_t - \frac{S_{t-1} \rho_t Z_t}{1 + n} \right) - \epsilon w_t}{(1 + \beta + \gamma \epsilon) \left(w_t + \frac{S_{t-1} \rho_t}{1 + n} \right) - \epsilon w_t} \quad (26)$$

تأثیر رفتار بازتوزیعی بر پس انداز و انباشت سرمایه... ۱۷۹

در این الگو مالیات درونزا فرض شده و بر اساس رابطه (۲۶) تعیین می‌شود. مشتق S_t نسبت به ε با در نظر گرفتن روابط (۲۲) و (۲۶) (با فرض این که τ_t تابعی از ε است) به صورت (۲۷) به دست می‌آید.

$$\frac{ds_t}{d\varepsilon} = \frac{\beta w_t y_t \left(w_t + \frac{s_{t-1} \rho_t (1+Z_t)}{1+n} - (c^* - \tau_t) \gamma_t \right) \left[\frac{1}{\beta} - \frac{\rho_t k_t}{y_t} \right]}{\left[(1+\beta + \varepsilon) \left(w_t + \frac{s_{t-1} \rho_t}{1+n} \right) - \varepsilon w_t \right]^2} \quad (27)$$

در رابطه (۲۷)، y_t تولید سرانه دوره t و نسبت $\frac{\rho_t k_t}{y_t}$ سهم سرمایه از تولید در دوره t است. با توجه به اینکه $0 < \beta \leq 1$ و سهم سرمایه از تولید کوچک‌تر از یک است، علامت عبارت سمت راست رابطه فوق مثبت است. بنابراین، با در نظر گرفتن الگو در وضعیت تعادل عمومی با افزایش ε پس انداز افزایش می‌یابد و با توجه به رابطه (۱۱) انباشت سرمایه هم افزایش می‌یابد.

در واقع می‌توان نتیجه به دست آمده را چنین تحلیل کرد که پس انداز برای فرد جوان ثروتمند از دو جهت اهمیت دارد؛ فرد هم مصرف و هم انفاق دوره پیری را از سود حاصل از سرمایه‌گذاری پس انداز خود تامین می‌کند. بنابراین، فرد ثروتمند با افزایش اهمیت رفاه فقرا در تابع هدفش، پس انداز خود را افزایش می‌دهد تا بتواند در دوره پیری بیشتر به فقرا کمک کند. علاوه بر این، با افزایش رفتارهای بازتوزیعی، نرخ مالیات کاهش می‌یابد و نیاز کمتری به مالیات برای تامین مصرف فقرا در حد کفاف وجود دارد و در نتیجه اثر منفی که از ناحیه این مالیات بر پس انداز به وجود آمده، کاهش می‌یابد و این مساله، تاثیر افزایش رفتارهای بازتوزیعی را بر پس انداز دوچندان می‌کند.

همچنین مشتق Z_t نسبت به ε با استفاده از رابطه (۲۵) به صورت رابطه (۲۸) به دست می‌آید.

$$\frac{dz_t}{d\varepsilon} = \frac{(1+\beta) \left(w_t + \frac{s_{t-1} \rho_t}{1+n} \right) \left(w_t + \frac{s_{t-1} \rho_t (1+Z_t)}{1+n} - (c^* - \tau_t) \gamma_t \right)}{\left[(1+\beta + \varepsilon) \left(w_t + \frac{s_{t-1} \rho_t}{1+n} \right) - \varepsilon w_t \right]^2} \quad (28)$$

رابطه (۲۸) هم مثبت بوده و در نتیجه با افزایش ε نرخ انفاق در دوره جوانی افزایش می‌یابد.

از رابطه (۱۸) نرخ مالیات دوره $t+1$ (τ_{t+1}) رابه دست آورده و با قرار دادن آن در رابطه (۲۵) و با حل و ساده کردن رابطه به دست آمده، رابطه (۲۹) برای نرخ انفاق در دوره پیری به دست می‌آید.

$$z'_{t+1} = \frac{\varepsilon \left(w_{t+1} (1+z_{t+1}) + \frac{s_t \rho_{t+1}}{1+n} - (c^* - \tau_{t+1}) \gamma_{t+1} \right)}{(\beta + \varepsilon) y_{t+1} - \varepsilon \frac{s_t \rho_{t+1}}{1+n}} \quad (29)$$

در رابطه (۲۹)، y_{t+1} مقدار تولید سرانه در دوره $t+1$ است. با فرض تابع تولید کاب-داگلاس به صورت $Y_t = A K_t^\alpha N_t^{1-\alpha}$ ، مشتق z'_{t+1} نسبت به ε با استفاده از رابطه (۲۹) به صورت رابطه (۳۰) به دست می‌آید.

$$\frac{dz'_{t+1}}{d\varepsilon} = \frac{\frac{(c^* - \tau_{t+1}) \gamma_{t+1}}{(1+n) y_{t+1}} f'(k_{t+1}) \frac{ds_t}{d\varepsilon} \left[\left(\frac{\beta}{\varepsilon} + 1 \right) - \frac{s_t \rho_{t+1}}{(1+n) y_{t+1}} \right]}{\left[\left(\frac{\beta}{\varepsilon} + 1 \right) - \frac{s_t \rho_{t+1}}{(1+n) y_{t+1}} \right]^2 + \frac{\beta}{\varepsilon y_{t+1}} \left(w_{t+1} (1+z_{t+1}) + \frac{s_t \rho_{t+1}}{1+n} - (c^* - \tau_{t+1}) \gamma_{t+1} \right) \left[\left(\frac{\beta}{\varepsilon} + 1 \right) - \frac{s_t \rho_{t+1}}{(1+n) y_{t+1}} \right]}$$

در رابطه (۳۰)، $f'(k_{t+1})$ مشتق تابع تولید بوده که مثبت فرض می‌شود و با توجه به مثبت بودن علامت $\frac{ds_t}{d\varepsilon}$ که قبلاً نشان داده شد، علامت عبارت سمت راست رابطه (۳۰) هم مثبت است. بنابراین، نتیجه می‌شود با افزایش ε نرخ انفاق در دوره پیری هم افزایش می‌یابد.

نتیجه اینکه افزایش اهمیت رفاه فقرا در تابع مطلوبیت ثروتمندان و به عبارت دیگر افزایش رفتارهای بازتوزیعی (ε) که در قالب افزایش انفاق ظاهر می‌شود، تاثیر مثبت بر پس‌انداز و انباشت سرمایه دارد.

۵- نتیجه‌گیری

در این تحقیق به دنبال نقد دیدگاه منفی رایج در اقتصاد متعارف در خصوص دادوستد میان رشد و بازتوزیع درآمد بودیم. برای این کار با وارد کردن راهکارهای اسلامی برای عدالت بازتوزیعی و سایر فرضیات اقتصاد اسلامی در الگوی نسل‌های همپوشان نشان داده شد که افزایش رفتارهای مبتنی بر عدالت بازتوزیعی در قالب افزایش انفاق (واجب یا مستحب)، تأثیر مثبت بر پس‌انداز و انباشت سرمایه خواهد داشت. تأثیر مثبت رفتارهای بازتوزیعی بر پس‌انداز از دو طریق محقق می‌شود؛ اول اینکه با افزایش رفتارهای بازتوزیعی، پس‌انداز اهمیت بیشتری در تخصیص درآمد افراد پیدا می‌کند، زیرا علاوه بر مصرف دوره پیری باید انفاق دوره پیری را نیز از پس‌انداز تامین کنند و در نتیجه انگیزه بیشتری برای پس‌انداز در افراد به وجود می‌آید. دلیل دیگر تأثیر مثبت رفتارهای بازتوزیعی بر پس‌انداز افراد این است که در اقتصاد اسلامی، نقش دولت در بازتوزیع درآمد، مکمل نقش مردم است. با افزایش رفتارهای بازتوزیعی، نیاز کمتری به مداخله دولت از طریق وضع مالیات وجود داشته و با کاهش مالیات، درآمد قابل تصرف افراد و در نتیجه پس‌انداز آن‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین دیدگاه منفی رایج در برخی تئوری‌های اقتصادی در مورد بازتوزیع درآمد از لحاظ نظری به دلیل بی‌توجهی به انگیزه‌های نوع‌دوستانه، دیگرخواهانه و رفتارهای عادلانه افراد و نقش حکومت در پرورش آن‌ها است. به بیان دیگر، در مورد عدالت بازتوزیعی، میزان پیاده شدن عدالت در جامعه بستگی به این دارد که رفاه فقرا چقدر برای ثروتمندان اهمیت دارد و چقدر برای این منظور اقدام می‌کنند.

بر این اساس راهکار اصلی برای برقراری عدالت بازتوزیعی در جامعه اسلامی، ایجاد انگیزه در مردم برای کمک داوطلبانه به فقرا در قالب انفاق و سایر پرداخت‌های واجب و مستحب است. روش مالیات‌های حکومتی به عنوان آخرین راهکار در شرایطی که کمک‌های داوطلبانه مردم و درآمدهای اختصاص یافته دولت به اندازه کافی نباشد، مطرح می‌شود که اثرات منفی بر پس‌انداز و حجم سرمایه دارد. باید توجه کرد که این تأثیر منفی در نتیجه عملی نشدن آن راهکار اصلی (ایجاد انگیزه در مردم برای کمک داوطلبانه به فقرا) بروز پیدا می‌کند و با اجرای راهکار اصلی، نیاز به راهکار مالیات برطرف شده و دو هدف عدالت و رشد اقتصادی، سازگار خواهند شد.

منابع

الف - فارسی

قرآن کریم

بخشی دستجردی، رسول (۱۳۹۰)، «بررسی اثر عدالت بین زمانی بر رشد اقتصادی با تاکید بر نقش ارجحیت زمانی، مطالعه موردی: اقتصاد ایران»، پژوهش های اقتصادی، دوره ۱۱، شماره ۱.

توحیدی نیا، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، «امکان سنجی تاثیر اخلاق بر مبانی اقتصاد خرد و کلان»، اخلاق در علوم و فناوری، ش ۳ و ۴: ۲۸-۳۸.

جهانیان، ناصر (۱۳۸۹)، «نظریه جامع عدالت»، فلسفه دین، دوره ۷، شماره ۶.
حرانی، ابومحمد حسن بن علی (۱۳۸۲)، تحف العقول عن آل الرسول، مترجم: حسن زاده، صادق. قم: نشر آل علی.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۱ق)، وسائل الشیعه، چاپ چهارم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

خاندوزی، سید احسان (۱۳۹۰)، مدینه عادلّه: مقدمه ای بر نظریه عدالت اقتصادی در قرآن، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

صدر، محمد باقر (۱۳۴۹)، اقتصاد ما، بررسی هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام، ترجمه ع. اسپهبدی، جلد دوم، تهران: موسسه انتشارات اسلامی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۰)، میزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. جلد ۱۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

قحف، منذر (۱۴۱۷ ه ق)، اقتصادیات الزکاه، البنك الاسلامی للتنمیه، جده.
عزتی، مرتضی (۱۳۹۴)، اقتصاد خرد ۳، تحلیل رفتارهای اقتصادی در چارچوب اسلامی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).

عیوضلو، حسین (۱۳۸۴)، عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصادی در اسلام، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)،

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳)، میزان الحکمه، قم: موسسه علمی و فرهنگی دارالحديث.

تأثیر رفتار بازتوزیعی بر پس انداز و انباشت سرمایه... ۱۸۳

موسایی، میثم (۱۳۸۸)، «نقش فرهنگ بر الگوی مصرف»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۳۴: ۱۵۰-۱۲۵.

میرمعزی، سیدحسین (۱۳۹۳)، *عدالت اقتصادی از دیدگاه اسلام*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

وهر، ماکس (۱۳۸۲)، *اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

یوسفی، محمد رضا (۱۳۸۸)، «بررسی فقهی مبادله رشد اقتصادی و عدالت»، فصلنامه نامه مفید، ۲۳.

ب - انگلیسی

- Ali, D.H. Norulazidah P.H. Omar; Myles, Gareth D. (2010), "The Consequences of Zakat for Capital Accumulation", *Journal of Public Economic Theory*, 12 (4),
- Boar, C. (2017), *Dynastic Precautionary Savings*, University of Rochester Working Paper. Available at: <https://www.cedia.ca/sites/cedia.ca/files/boar.pdf>
- Cipriani, G.P. (2014), "Population Aging and PAYG Pensions in the OLG Model", *J Popul Econ* 27.
- De la Crox, D. and Lubrano, M. (2009), "The Tradeoff between Growth and Redistribution: ELIE in an Overlapping Generations Model", CORE Discussion Papers 2009018, Université catholique de Louvain, Center for Operations Research and Econometrics (CORE),
- Dynan, K., Skinner, J., Zeldes, S.P. (2002), "The Importance of Bequests and Life-cycle Saving in Capital Accumulation: A new Answer", *American Economic Review*, 92.
- Faridi, F.T.(1997), *Zakah and Fiscal Policy*, in *Economics of Zakah*; ed by Monzer Kahf, IRTI, IDB.
- Guin, B. (2016), *Culture and Household Saving*, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2698872>.
- Iqbal, M. (1998), "Zakah, Moderation and Aggregate Consumption in an Islamic Economy", *JRIE*, Vol. 3, No. 1.
- Khan, M. Fahim (1997), *Macro consumption function in an Islamic framework*. In *Economics of Zakah*, ed. by Monzer Kahf, IRTI, IDB.

- Lambrecht, S., Michel, Ph., Thibault, E. (2006), "Capital Accumulation and Fiscal Policy in an OLG Model with Family Altruism", *Journal of Public Economic Theory*, 8.
- Lubrano, Michel (2009), *The Redistributive Aspects of ELIE: A Simulation Approach*, In *Macrojustice: A pluridisciplinary evaluation of Kolm's theory*, edited by Claude Gamel and Michel Lubrano, forthcoming. Heidelberg: Springer.
- Michel, Ph. and P. Pestieau (1998), "Fiscal Policy in a Growth Model with both Altruistic and Nonaltruistic Agents", *Southern Economic Journal*, 64.
- Nordblom, K. (1997), *Precautionary Saving and Altruism*, Working Paper, Department of Economics, Uppsala University, No. 1997:19, <http://nbn-resolving.de/urn:nbn:se:uu:diva-2387>.
- Pigou, A. C. (1920), *The Economics of Welfare*, 4th edition, London: Macmillan.
- Ramsey, F. P. (1928), "A Mathematical Theory of Saving", *Economic Journal*, 38.
- Sen, A.K (1977), "Rational Fools: A Critique of the Behavioral Foundations of Economic Theory", *Philosophy and Public Affairs*. Vol.6.No.4
- Simon, H (1992), *Economics, Bounded Rationality and the Cognitive Revolution*, Massachusetts, Edward Elgar.
- Solimano, A., Aninat, E., Birdsall, N. (2000), *Distributive Justice and Economic Development: The Case of Chile and Developing Countries*, Michigan: The university of Michigan press.
- Von Mises, L. (1949), *Human Action*. New Haven: Yale University Press.
- Yoon, Y. and Talmain, G. (2001), *Endogenous Fertility, Endogenous Growth and Public Pension System: Should We Switch from a Pay-As-You-Go to a Fully Funded System*. The Manchester School: 69(5).
- Zaim, Sabahaddin (1989), *Recent Interpretations on Economic Aspect of Zakah*, In: Imtiaz, I.A., et. Al., (edits), *Management of Zakah in Modern Muslim Society*. IRTI/IDB: Jeddah, pp: 101-120.